

روزنامه شرق

پنجشنبه ۲۳ مهر ۱۴۰۵ • ۴ جمادی الاول ۱۴۴۸ • ۱۵ اکتبر ۲۰۲۶ • سال بیست و سوم • شماره ۸۵۵۰۱ • صفحه ۶:۱۱
اذان ظهر تهران ۱۱:۵۰ • اذان مغرب ۱۷:۴۷ • اذان صبح فردا ۴:۴۸ • طلوع آفتاب ۶:۱۱

روایت

به یاد مهرجویی و تقوایی
روزگار غریبی است

مضامین

منتقد

ناصر تقوایی در پاییز ۱۴۰۴، پس از چندین سال سکوت و خانه‌نشینی درگذشت؛ آن هم درست در روزی که خود تلخی این خبر را دوچندان می‌کرد: پیکر داریوش مهرجویی در چنین روزی کارداچین شده بود. سرانجامی ناباور برای او نفر از واپسین بازماندگان روح نو سینمایی ایران که ده‌ها دهه ناپاوری سیر وقایع در مسیر هنری مطلوب‌شان تجربه کرده بودند. اما کاش تلخی ماجرا به همین محدود می‌ماند.

مشغول وداع با آخرین نمایندگان نسل طلایی
سینما و ادبیات ایرانیم که طاعونی ویرانگر به
جان پیکرهایشان رسید. حاشای به بهترین هنرمندان
و روشنفکران ایران، تحت هدایت دفاوند
رسانه‌هایی که دچار نوستالژی برای حکومت
پیش از انقلاب شده‌اند؛ بدون آنکه لحظه‌ای
دریابند عملکرد ناصر تقوایی و مه‌سلان او، فراتر
از هنر ایران، به جریان جهانی تعلل داشته است.
اساس مهم‌ترین مشخصه ادبیات و سینمای

جهان در دهه‌های ۴۰ و ۷۰ میلادی (دهه‌های ۴۰ و ۵۰ خودمان) کارکرد اجتماعی بود و سلامت ثری را انتقادی بودن آن مشخص می‌کرد. راستش غفلت‌عامدانه از این واقعیت، روزگار غریبی را برای ما رقم زده است. آخر کجای جهان رسم است که نسل‌های جدید مخاطبان یک کشور با میراث هنری پدران خود چنین برخوردی کنند؟

اصلاً همین که ناصر تقوایی، غلامحسین سعادی، داریوش مهرجویی و ده‌ها چهره شاخص دیگر، آن‌همه در کار خود توانمند بودند، به جاذبی بودن جایگاه هنر در آن آیم پیوسته کردند. ناصر تقوایی فیلم خوب نمی‌ساخت تا در گیشه با جشنواره گل کند، بلکه خوب فیلم می‌ساخت چون مؤثربود و اثر گذاشتن بر مخاطب نزد او و به‌سانش اهمیت داشت. ابتذال‌ستیزی تقوایی در عهده سال‌های پس از انقلاب نیز نتیجه چنین رویکردی بوده است.

«ناخدا خورشید» فیلم پیشرو و پیچیده‌ایست (دست پر قضا از منظر زیبایی‌شناسی سینما به گرایش کلاسیک تعلق دارد). با این‌همه چرا کمکان فیلم مهمی است؟ آشکارا به این سبب که سازنده فیلم در سال‌هایی که سهل‌انگاری در سینمای ایران داشت اوج می‌گرفت، کوشیده است سهل‌انگار نباشد و به هنر سینما وفادار بماند.

همین واقعیت است که رفتار بخش دیگری از مخاطبان هنری این روزگار را ناباور جلوه می‌دهد. در روزهای پس از مرگ تقوایی، عده‌ای از اهالی سینمای ایران در رأی‌پس‌سوک‌نامه‌هایی نوشتند؛ منتها عملکرد سینمایی اغلب این مرثیه‌نویسان در سال‌های اخیر، به‌سختی می‌توانست میان ستایش‌گران و آنان و نگوشتن فحاشان فاصله ایجاد کند.

طاعون فقط سنگ پراندن به میراث هنری
پردار نیست، این نیز هست که از یک سو در ردیف
سایه‌بانان ناصر تقوایی باشی و از سوی تا کردن
غرق در همان ابتدایی که او همواره به آن نه گفته
بود. عامل دارمن‌زنده به چنین تناقضی همان
است که کار فاحشان را نیز (البته برای خودشان)
نوحیه می‌کند: فقدان منطری یکی هنگام تحلیل
نسل و جهان.

بیایم برای یک بار هم شده از این رویکرد ماتنیک دست برداریم که هنرمندان را همچون سبزه‌هایی منفرد و جدا از گیاه‌های تاریخی و اجتماعی‌شان می‌نگرد. فقط در این صورت است که امکان دست‌یافتن به دایره صدقانه برای مخاطب امروز مهیا می‌شود. فقط در این صورت است که مدح و ستایش با ذم و نگوشتی معیارهای دقیق‌تری می‌یابد و هنرمندان فقید این سرزمین را براساس آنچه به‌واقع داشته و بوده‌اند، مورد ارزیابی قرار می‌دهیم، نه به واسطه آنچه تصور شده و نبوده‌اند.



جرم راه رفتن نیست، ره هموار نیست

براهیم ایوبی

یکیل دادگستری

ماده ۴ «قانون نیروی انتظامی جمهوری اسلامی ایران»، وظایف این نهاد را در ۲۶ بند فهرست کرده که در بند چهاردهم آمده است: «نظارت بر اماکن عمومی و انجام سایر امور مربوط به اماکن مذکور برابر مقررات مصوب». قید انتهایی در اینجا، یعنی «برابر مقررات مصوب»، نشان می‌دهد این وظیفه یکی از وظایف انتظامی فقط در چارچوب تعیین‌شده بوده و سلیقه‌ای نیست. درباره موضوع «دورزورکردن» (خودرو یا عابر پیاده) به دو قوانین و مقررات راهنمایی و رانندگی مراجعه کرد. در ماده ۷ «قانون رسیدگی به تخلفات رانندگی» که در خرداد سال ۱۴۰۳ اصلاح شده است، فهرستی از تخلفات رانندگان در ۲۰ بند از «سبقت غیرمجاز» گرفته تا «حرکت مارپیچ» دیده می‌شود. اما از آنجا که دورزورکردن برای رانندگان در ۱۹ عنوان «استفاده از کلاه ایمنی» استاندارد نیست و رانندگان و ترک‌نشینان در نوع موتورسیکلت‌ها است، ولی در عمل نظارت مژتری در این زمینه دیده نمی‌شود. همچنین تجربه ما ۲۰ ساله این قانون که با عابری مبهم و تفسیرپر بار بیان می‌کند «صدور گواهینامه رانندگی موتورسیکلت برای مردان بر عهده نیروی انتظامی جمهوری اسلامی ایران است»، چالش صدور گواهینامه موتورسیکلت برای بانوان را ایجاد کرده است. تنها تکلیف برای عابری در ماده ۲۶ تعیین شده است: «در راه‌های که برای عبور عابران پیاده عابران، مسیرهای ویژه اختصاص داده شده است، عابران مکلفند هنگام عبور از طول سواره‌رو یا بخش به‌عنوان به راهنمایی و رانندگی منصوبه در محل از نقاط خشکی‌شده، گذرنامه‌های غیر همسطح و مسیرهای ویژه استفاده نمایند.» که هیچ اشاره‌ای به دورزور

نشده است. در «آیین‌نامه راهنمایی و رانندگی» که در ۱۸ خرداد ۱۳۸۴ فصل ۱۰ و فصل ۲۲۲ ماده به تصویب هیئت وزیران رسیده است، نه در فصل اول که قفط شامل ماده ۱ بوده و نه تعاریف می‌پردازد، تعریفی از «دورورکردن» در تعریف‌های ۱۰ گانه آن دیده می‌شود و نه در فصل مفصل نهم با عنوان «مقررات رانندگی» از مواد ۱۱۸ تا ۱۲۲ یعنی در این زمینه برای خودرو یا عابران به چشم می‌خورد. موضوع وارد رفتن به هدف نیز در این نشست برای مطرح شد. تنها مقررده مرتبط با این اظهار نظر، می‌تواند ماده ۷۱۲ بخش تعزیرات «قانون مجازات اسلامی» (۱۳۹۳) باشد: «هرکس تندی یا کلاشی را پیشه کرد قرار داده باشد و از این راه امرار معاش نماید یا ولگردی نماید، به حبس از یک تا سه ماه محکوم خواهد شد و چنانچه با وجود تندی مالی مرتکب عمل فوق قیاس شود، علاوه بر مجازات مذکور یکصد الیوهائی که از طریق تندی و کلاشی به دست آورده است مصادره خواهد شد». از آنجا که واژه «ولگردی» در کنار «تندی» قرار گرفته و در عرف نیز به فردی ولگرد گفته می‌شود که فاقد مسکن و وسایل است، این ماده را نمی‌توان شامل افرادی دانست که به گفته مقام انتظامی بدون هدف در خیابان راه می‌روند. اگر معیار قانون باشد (که باید باشد)، با توجه به اصل سبب و شوشم «قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران» که حکم به مجازات و اجرای آن را فقط به موجب قانون و از طریق دادگاه صالح می‌داند و همچنین اصل هفتادوسم که شرح و تفسیر قوانین را در صلاحیت مجلس شورای اسلامی یا دادرسان در مقام تمیز حق می‌داند، ایجاد محدودیت بالقانونی برای ران رفتن روا نیست. اگر موانع غیر ضروری برای تفریح جوانان وجود نداشت (مثل لغو کسرت دارای مجوز در مشهد یا توقیف تراکتور در تهران) و از طریق هوازت بود، جوانان به سمت راه رفتن به گفته مقام انتظامی می‌رفتند، نه هدف، نه پناهی می‌روند.

